

زندگینامه سعدی

ابو محمد مشرف الدین (شرف الدین) مصلح بن عبدالله بن شرف الدین شیرازی، ملقب به ملک الکلام و افصح المتکلمین بی شک یکی از بزرگترین شاعران ایران است که بعد از فردوسی آسمان ادب فارسی را به نور خیره کننده خود روشن ساخت. این روشنی با چنان نیرویی همراه بود که هنوز پس از گشت هفت قرن تمام از تاثیر آن کاسته نشده و این اثر پارسی هنوز پابرجا و استوار است. از احوال شاعر در ابتدای زندگیش اطلاعی در دست نیست، اما آنچه مسلم است، دانش وسیعی اندوخته بود. در حدود سال ۶۰۶ هجری در شهر شیراز در خاندانی که همه از عالمان دین بودند، چشم به جهان گشود. مقدمات علوم ادبی و شرعی را در شیراز آموخت و سپس در حدود سال ۶۲۰ برای اتمام تحصیلات به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه آن شهر به تحصیل پرداخت.

شب و روز تلقین و تکرار بود مرا در نظامیه آواز بود

بعد از این سفر سعدی به حجاز، شام، لبنان، و روم رفته چنان که در این ابیات مشخص است:

در اقصای عالم بگشتم بسی بسر بردم ایام با هر کسی

تمتع به هر گوشه ای یافتم ز هر خرمنی خوشه ای یافتم

سفری که سعدی در حدود سال ۶۲۰ آغاز کرده بود، مقارن سال ۶۵۵ با بازگشت به شیراز پایان گرفت و از آن پس زندگی را به آزادی و ارشاد و خدمت خلق گردانید. سعدی عمر خود را به سرودن غزل ها و قصائد و تالیفات رسالات مختلف و وعظ می گذراند. در این دوره یکبار نیز سفری به مکه کرد و از راه تبریز به شیراز بازگشت. نکته مهم در زندگی سعدی این است که در زمان زندگیش شهرت و اعتبار خاصی گرفت و سخنانش مورد استقبال شاعران هم عصرش قرار گرفت، آنچنانکه یکی از آنها بنام سیف الدین محمد فرغانی، چنان شیفته آثار سعدی بود که علاوه بر استقبال از چندین غزل او چند قصیده هم در مدح او ساخته و برای او فرستاده که یکی از نمونه های آن در اینجا است:

چنان دان که زیره به کرمان فرستم به جای سخن گر به تو جان فرستم

سعدی همچنان به اندوختن و سرودن روزگار می گرانید و عمر پربار خود را بدین گونه سپری می کرد اما این بزرگ همواره سعی و تلاش خود را کافی ندانسته، چنانکه در آغاز گلستان می گوید:

یک شب تأمل ایام گذشته می کردم و بر عمر تلف کرده خود تأسف می خوردم و سنگ سراچه دل را به الماس آب دیده می سفتم و این ابیات را مناسب حال خود یافتم:

چون نگه می کنم نمانده بسی هر دم از عمر می رود نفسی

مگر این پنج روزه در یابی ای که پنجاه رفت و در خوابی

کوس رحلت زدند و بار نساخت خجل آنکس که رفت و کار نساخت

به تصریح خود شاعر این ابیات مناسب حال او در تأسف بر عمر از دست رفته و اشاره به پنجاه سالگی وی، سروده شده است و چون آنها را با دو بیت زیر که هم در مقدمه گلستان از باب ذکر تاریخ تالیف کتاب آمده است:

در این مدت که ما را وقت خوش بود ز هجرت ششصد و پنجاه و شش بود

مراد ما نصیحت بود گفتیم حوالت با خدا کردیم و رفتیم

سعدی هم در شعر و هم در نثر سخن فارسی را به کمال رسانده است و از میان آثار منظوم او، گذشته از غزلیات و قصائد مثنوی مشهوری که به سعدی نامه و بوستان شهرت دارد، این منظومه در اخلاق و تربیت و وعظ است و در ده باب تنظیم شده است:

۱ - عدل ۲ - احسان ۳ - عشق ۴ - تواضع ۵ - رضا ۶ - ذکر ۷ - تربیت ۸ - شکر ۹ - توبه ۱۰ - مناجات و ختم کتاب.

مهمترین اثر سعدی در نثر، کتاب گلستان است که دارای یک دیباچه و هشت باب است: سیرت پادشاهان، اخلاق درویشان، فضیلت و قناعت، فواید خاموشی، عشق و جوانی، ضعف و پیری، تأثیر تربیت و آداب صحبت.

فوت سعدی: وفات سعدی را در مأخذ گوناگون به سال های " ۶۹۴ - ۶۹۵ " و " ۶۹۰ - ۶۹۱ " نوشته اند. آرامگاه شیخ مشرف الدین بن مصلح الدین سعدی شیرازی در ۴ کیلومتری شمال شرقی شیراز، در دامنه کوه فهندژ، در انتهای خیابان بوستان و در مجاورت باغ دلگشا واقع شده است. این مکان در ابتدا خانقاه شیخ بوده که وی اواخر عمر خود را در آنجا می گذرانیده و سپس در همانجا مدفون گردیده است.

چه خیال ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی

سر آن ندارد امشب، که بر آید آفتابی

به چه دیر ماندی ای صبح؟ که جان من در آمد

بزه کردی و نکردند، مؤذنان ثوابی

نفس خروس بگرفت، که نوبتی بخواند

همه بلبلان بمردند و نماند جز غرابی

نفحات صبح دانی، ز چه روی دوست دارم؟

که به روی دوست ماند، که برافکند نقابی

سرم از خدای خواهد، که به پایش اندر افتد

که در آب مرده بهتر، که در آرزوی آبی

دل من نه مرد آن است، که با غمش بر آید

مگسی کجا تواند، که بیفکند عقابی؟

نه چنان گناهکارم، که به دشمنم سپاری

تو بدست خویش فرمای، اگر کنی عذابی

دل همچو سنگت ای دوست، به آب چشم سعدی

عجب است اگر نگردد، که بگردد آسیابی

برو ای گدای مسکین و دری دگر طلب کن

که هزار بار گفתי و نیامدت جوابی

سعدی از نگاه اروپاییان

از حدود ۳۰۰ سال پیش که خاورشناسان اروپایی با ادبیات مشرق زمین آشنا شده اند با اشتیاق فراوان به ترجمه این آثار پرداخته اند از جمله این آثار کتاب گلستان سعدی است. «گارسین دتاسی» خاورشناس غربی می گوید: «سعدی از مهمترین نویسندگان ایرانی است که نزد عموم مردم اروپا شهرت دارد.» بد نیست بدانیم که ویکتور هوگو نویسنده مشهور فرانسوی یکی از نویسندگان اروپایی است که از داستان های سعدی تاثیر پذیرفته است.